

۱) آیا ملاک تراخ در مسأله حوازا اجتماع امر و کفای با اجتماع در تمام اقسام ایجاب و تحکم جاریست یا خیر؟
بله، شامل تمام اقسام می شود، حتی غیر، تحسیر و کفای.

۲) بنابر قول به اجتماع اجتماع امر و کفای، بی در خطاب فعلی «فعل لا تعصب» چه ماعده ای اعمال می شود؟
قاعده باب تراجم را به کار برده واقعه ملاک را مقدم می داریم.

۳) مفهوم حیثیت؟ یک حکم انشائی و یا خبری که لازمه و زیرگرمی خاص در مورد در معنای مطابق یک قطع است.
این المنهوم اما هو حکم غیر مذکور و نحو من صفات المدلول اقسامش، مفهوم موافق و مخالف.

۴) آیا عمل به عام قبل از فحص از خصص جایز است یا خیر؟
در عمرانی که در معرض تخصص هستند مثل کتاب دست جایز است و در غیر آن جایز است.

۵) ثمره تجربه حیثیت؟ استحقاق عقوبت بر نفس تجربی است.

۶) امارات و طرق معتبره نقطه حالکین «قطع طریق محض» می شوند.

۷) در ارتباط با اختلاف قرائات، در چه صورت مانع از استدلال است؟
اختلاف در قرائات اگر باعث اختلاف در ظهور باشد مانع از استدلال است.

۸) در رابطه با تضاد احکام منه نظر اخوند چیست؟
در مرحله نقلیه نقطه مانع دیگر تضاد دارد (فوق در مرحله انشاء یا اکتفاء)

۹) نظر اخوند درباره بعضی در معاملات چیست؟
اگر نفس به نفس معامله با جو فعل بالشبیب او بالشبیب تعلق بگیرد دلالت بر تضاد در کند.

۲۲۱۵

۱۰) اگر کلام متکلم به سمت مورد خاصی انصراف داشت، حکم چیست؟
کلام از اطلاق ساقط می شود.

۱۱) در ارتباط با تقسیم عام به استقراتی، مجموعی و بدلی، به لحاظ اختلاف کیفیت «تعلق حکم» است.

۱۲) در صورتی که خاص منفصل در مورد بین اقل و اکثر باشد، آیا سیرایت به عام می کند یا نه؟
با اجماع سیرایت می کند و حقیقتاً در کلام

۱۳) نظر آخوند درباره علم اجمالی چیست؟ مطلقاً معنی است.

۱۴) نظر آخوند درباره شجرت فتوای چیست؟ شجرت فتوای مطلقاً محبت نیست.

۱۵) مقبول و مجمل چیست؟ «مقبول» لفظی است که ظهور در معنای خاص خود دارد و به آسانی با شنیدن آن، معنای مورد نظر فیهیه میسر میسر؛ مثل: انسان - «مجمول» لفظی است که ظهور در معنای خاص ندارد و اگر چه به کمک قرینه بتوان معنای از آن در آورد. مانند: یَد در «والسارق والطارق» - یا ائمهات در «خیرین علیکم ائمهاتکم».

۱۶) آیا تعلق نمی به جزء عبارت یا شرط خارج از عبارت باعث ساد می شود؟

تعلق نمی به جزء در صورت اقتصار بر آن، معنیده دارد و تعلق نمی به شرط در صورتی که شرط عبارت باشد معنیده است.

۱۷) اسامی انصراف را نام برده با توضیح؟ انصرف لوری، انصرافی که به مجرد شنیدن لفظ نسبت به فرد با خبری از آن، برای شنونده حاصل میسر. انصراف تنقیحی، انصرافی که ناشی از کثرت استعمال. انصراف ظهوری، موجب ظهور لفظ در مورد انصراف یافته است. اشتراکی و نقلی.

۱۸) دورابطه با مفهوم عامی نظر آخوند چیست؟

اگر عامی قید / موضوع باشد: مفهوم ندارد X
حکم باشد: مفهوم دارد ✓

۱۹) مراد از آنکه در مقدمات حکمت بگیرند متکلم در مقام با کس مراد باشد چیست؟
مراد استعمالی از معنای موضوع له واضح و روشن باشد.

۲۰) نظر آخوند در رابطه قطع به حکم و ظن به حکم چیست؟

قطع به حکم را نمی توان در موضوع همان حکم اخذ کرد و ظن به حکم را نمی توان در موضوعی مثل آن حکم اخذ کرد.

۲۱) در ارتباط با استدلال، دلالت برای محبت خبر واحد نظر آخوند چیست؟

استدلال صحیح است چون متواتر اجمالی هستند. (استدلال نیست)

۲۲) نظر آخوند درباره اجتماع امر و حکم چیست؟

عملاً محال است. تنصیلی هم مائل نشده اند.

۲۳) نظر آخوند در استثناء بعد از جمل مقدر چیست؟ به جهت قدر متیقن به آخر بر می گردد و مانعی ندارد به اصول

به جمله «آخریه علی کل حال» بر می گردد و نسبت به باقی باید اصول مراعات کرد.

۲۴) معانی سنخ چیست؟

رفع حکم است اثباتاً و دفع حکم است تنویهاً / سنخ یعنی / رفع حکم (اثباتاً) / دفع حکم (تنویهاً)

(۲۵) در قاضی بن اجماعات منقوله چه باید کرد؟ تعارض به حسب مستب است.

(۲۶) فسراد از عبارت در عت تعلق بضمی عبارت چیست؟

مقصود لا ما یكون بنفسه عبارة ما لو تعلق الامر به كان امره عباديا « می باشد.

(۲۷) در صورت تعدد شرطهاست ^{«اذا حقی الاذان فقصره حکم چیست؟ اذال»}
 آخوند: عدم تناخل (در مشهور)
 عقل: قدر مشترک
 اعرف: مفهوم ندارد

(۲۸) کلمه بل ایضاً در چه صورتی دلالت بر حصر می کند؟

موردی که اجزاء در مقام ارجال مطلبی باشد که قبلاً اثبات شده است.

(۲۹) در صورتی که خاص محمول در موردین متباین باشد آیا اجمال به عام صدمات می کند یا خیر؟ ^(در کتاب لیل)

اگر محققین متفصل باشد حکماً سبب می کند و اگر متفصل باشد حقیقتاً سبب می کند.

(۳۰) اگر منشاء شک در ظهور کلام احتمال قدینت موجود باشد نظر آخوند چیست؟

احتمال قدینت کلام را محمول می کند.

~~در رابط با آیه «اهل ذکر»~~ نظر آخوند را بنویسید؟ ^{ج ۱۱۱} (ناستلوا اهل الذکر...)
 ظاهر آیه مقدمه تحصیل علم است و خودش موضوعیت ندارد لذا قبول تعبدی جواب اهل ذکر واجب نیست، پس ربطی به ^{ندارد} ^{فراوان} ^{حکمت}

(۳۱) موضوعی که علم جنین کدام است؟ (طبیعی یا همی متعینه ذهنی)

الطبیعة لا باهی هم بل باهی متعینه بالتیین ذهنی

(۳۲) درباره قطع تفصیلی و قطع اجمالی نظر آخوند چیست؟ (علم اجمالی یا علم تفصیلی است در اقتضای نه در علت نامه)

كان العلم الإجمالي كالتفصیلی من مجرد الإقتضاء لاف العلیة النامة.

(۳۳) منشاء استحقاق عقاب در مجتسب چیست؟ در صدد طمخیان بر آمدن.

(۳۴) الفاظ مطلق کدامند؟ اسم جنس - علم جنس - مفرد معرف به ال و نکره.

(۳۵) خروج از دار معصومیه [خانه عفتی] در صورتی که ورود با اختیار باشد، بیا بر قول به امتناع چه حکمی دارد؟

عفتی عتبه به بضمی سابق است و ما مور به نسبت. ^(باستناد ۱۲۸ ترمذی است)

(۳۶) مراد از بضمی در عت و النهر عن الشیء هل یقتضی الفساد أم لا « چیست؟ ^{بضمی}
 نعمتی عتبه به بضمی سابق است و ما مور به نسبت.
 و بضمی تبعی هم ملاک داخل است.

۳۸) مطلق و مقید چیست؟ مطلق یعنی ارسال و شروع استعمال؛ مادل علی سابع فی هبته، مانه رخل.
مقید لفظی است که دلالت بر بعضی افراد از جنس خود بکند: مانه رخل عالم.

۳۹) اگر ندانیم خاص بعد از حضور وقت عمل به عام رسیده است یا قبل آن چه باید کرد؟
به اصول عملیه مراجعه می‌کنیم.

۴۰) قطع به حکم را در موضوع مثل آن حکم می‌توانیم اخذ کنیم زیرا «مخذور» داریم (دور بین صیاد)
۴۱) آیا امثال اجمالی مستقط تکلیف است یا خیر؟
امثال اجمالی در توصیلات و تعذبات مطلقاً مستقط تکلیف است.

۴۲) فرق بین نسخ و بقاء چیست؟ معنای واحدی دارند - تفاوت آن در این است که اصطلاح نسخ، در احکام
و شریعت استعمال می‌شود، اما اصطلاح بقاء، در امور خلقت و تکون استعمال می‌شود.

۴۳) موضوع که ادوات بقاء به نظر آخوند چیست؟ خطاب انشائی است.

۴۴) به نظر آخوند مدلول نهی مانده و صغیه چیست؟ مدلول هر دو طلب هستند.

۴۵) «تقیید» در هر یک از ادوات احکام تکلیفی و وضعی جاری است.

۴۶) نهی در عبارات «موجب فساد» اعتبار در معاملات موجب فساد «منیت» مگر در الفاظ معاملاتی که براساس عقد
شدند
می‌شود
وضع
عقد

۴۷) مراد از مفهوم شرط چیست؟ نسخ حکم معلق بر شرط. (انتفاء عند الانتفاء)

مقدار فسخه از فسخه چه میزان است؟ باید به اندازه ای باشد که عام مورد نظر، از معرضیت درخصیص خارج شود.

۴۸) متعلق نهی و متعلق طلب چیست؟ توضیح دهید؟ **حاصل است**

متعلق نهی، مخبر ترک است و متعلق طلب، مطلوب مولی است.

۴۹) نظر آخوند در مورد رجوع استثناء مقتب جمله‌های متعدده به کل جمله بر می‌گردد یا به خصوص جمله آخر بر می‌گردد؟ **حاصل است**
«أكرم العلماء و ائمة الشعراء و أعطى الفقراء إلا العساق منهم»

آخوند زباید، ادوات استثناء ظهور در رجوع به هیچ کدام از جمله اخیر یا تمام جملات ندارد، اگر چه رجوع آن به اخیر مستقین
است و ظهور جمله‌ها ماقبل اخیر در عموم، مستقین است زیرا مخوف با صلح القرینیه هستند در آن موارد باید به اصل
عملیه رجوع کرد. (رجوع به تمام جمله‌ها امکان دارد اما رجوع به آخری از باب تدقیق است نه ظهور)

۵۰) آیا جمله شرطیه دلالت بر انتفاء عند الانتفاء دارد؟ یا دلیل؟ (انتفاء عند الانتفاء یعنی مفهوم داشتن قسبه شرطیه) ^{ع ۲۴۹}

فصلی شرطیه - حسب وضع اذات شرط و نیز ترتب عامه دلالت بر مفهوم دارد.
تحقق مفهوم شرط متوقف بر چهار چیز است که اگر هر کدام نباشد آن قصه منضم نخواهد داشت:

۱. باید قصه شرطیه، شرطیه لزومیه باشد (بن شرط و جزاء علامه باشد)
۲. قصه شرطیه دلالت بر ترتب و توقف جزاء بر شرط کند.
۳. ترتب و توقف مذکور به نوعی معلولی باشد.
۴. شرط علت منحصره در جزاء باشد.

دلائل

- علاقه بین شرط و جزاء
- توقف جزاء بر شرط
- توقف علی معلولی باشد
- شرط علت منحصره در جزاء باشد

۵۱) آیا نکره در سیاق نفی یا نفی از الفاظ عموم است؟ ^{ع ۲۷۹}
بله، دلالت بر عموم دارد و دلالت نیز بر حکم عقل است (دلالت لفظی ندارد) زیرا نفی و طبیعتی است که مطلق و بی قید است به نفی صحیح از ادس: مثل، لا رجل فی الدار.

۵۲) دلیلی که بر حجت صحیح فتوایی ذکر شده را با جواب آخوند بنویسید؟ ^{ع ۲۳۸}
دلائل آن، ۱- محور حجت صحیح ضریح واحد (و بی خبر واحد نه) خاطر ظنی یا اطمینان حجت باشد به طریق اولی تحریر فتوایه حجت است.
۲- روایت صحیح زرارده ۳- سیره عقلا.
نظر آخوند، به طور کل تحریر فتوایه حجت نیست زیرا دلیل قطعی بر آن وجود ندارد.

۵۳) آیا نفی متعلق به عبادت انتضای فساد دارد یا خیر؟ نظر آخوند با دلیل؟ ^{ع ۲۳۸} نهی در عبادت
مقتضی فساد است. زیرا نفی دلالت بر حرمت می کند و حرمت با صحت جمع نمی شود. و چنین عبادت صلاحیت تقرب ^{به ندارد}

۵۴) این کلام که اصل در قید، اختیاری است دلالت می کند بر اینکه وصف مفهوم دارد؟ ^{ع ۲۴۲}
اصلاً در قید اختیاری بودن آن است (نه توصیفی و عالی...) و همین به معنای مفهوم داشتن وصف است. (آردله تا لاین به مفهوم وصف پس مفهوم نداشتن، خلاف ظاهر است.)

وصف می گوید، اختیاری یعنی در حالت قید در موضوع حکم دلالت استعاده قید فقط عند استعاده شخص حکم است نه نسخ حکم.
لذا مفهوم ندارد.

۵۵) آیا هر صوم آخوند قبول دارند که (الف دلام) برای تعریف وضع شده است یا خیر؟ ^{ع ۴۱۷} الف دلام
مشهور و تعریف مصنف، ترین (مشهور ترین) استعاده معانی تعریف وضع شده اما مصنف می گوید، الف دلام برای ترین است (مانند ال در اعلام شریف مثل الحسن) و استعاده معانی حسن، استعاده و عهد به نگه تر این خارج است.

حق اگر الف و لام بر این اشاره به تعریف وضع شده باشد بر این تعین هر یک از معانی جنسی (استعراق و دعای گمان عهد) محتاج قرینه معنی است. و این خودش شاهد بر این نظریه مصنف است که خود الف و لام نقشی ندارد در زنجیره است و تمام این معانی توسط قرائن اباده می شود. [مثال، القلماء، الف و لامش بر این ترین است]

۵۵) دلالت آیه نیا بر حجت خبر واحد را به همراه دلیل بنویسید؟ **ع ۱۳۱**

منطوق آیه دارا سه رکن موضوع، حکم شرط است. در این صورت بر اساس قانون مفهوم مخالف، روشن است که اگر خبر را کسی بگوید که فاسق نباشد، تبیین واجب نیست. پس خبر عادل واحد حجت دارد. همانند موضوع معمول در مفهوم مخالف نظر شود به نظر مصنف (آخوند)، آیه نیا دلالت بر حجت خبر واحد دارد.

۵۶) نظر آخوند درباره دلالت نکره در سیاق نفی بر عدم رایان کنید؟ **ع ۱۳۲**

نکره در سیاق نفی یا نفی، حیاتی طبعیت محمله نباشد معنی عموم است. مثل «لا رجل فی الدار»

۵۷) منظور آخوند از احراز فرد مشتبه با اصل موضوعی در عام مخصوص المنفصل چیست؟ با مثال؟ **ع ۱۳۳**

[مخصوص سبب می شود که عام دارا معنای معیار یا خاص شود] حال اگر اصل موضوعی موجود بود که آن عنوان را ایجاب کند ما اصل را اجزای کنیم پس در فرد مشکوک به عموم عام متمسک می کنیم. مثلاً «دوا کرم القلما، ایا الفساق» در توان در فرد مشکوک استصحاب عدم نسق ظاهر کنیم پس حکم عام (وجوب اکرام) را در مورد او ایجاب کنیم.

۵۸) لزوم تبعیت ظاهر در کلام شارع در تعیین مُراد از جمله به چه سببیه از طرف آخوند مطرح شده؟ توضیح دهید؟ **ع ۱۳۴**

به نظر آخوند: من جمله در اصل حجت طواهر کلام شارع تردید وجود ندارد.

دلیل حجت آن سیره عقلاست.

مصنف می فرماید، ظواهر مطلقاً حجت است.

۵۹) ماده وضعی یعنی دلالت بر چه دارد؟ **ع ۱۳۵**

ماده ماده وضعی امر است، مفید طلب لزوم استثنای است یعنی آنچه که در مفهوم امر معتبر بود در مفهوم نفی معتبر است. «حائنه علتر»

۶۰) اجمال خاص به عام سرایت می کند یعنی چه؟ **ع ۱۳۶**

اگر خاص خالی از اجمال باشد بی شک موجب تمهیس عام شده، اما در صورتیکه خاص اجمال پیدا کند - اگر در متباینین باشد، در اول و اکثر باشد، حکماً و حقیقاً به عام سرایت نمی کند. در محقق متصل، حقیقاً سرایت می کند. در محقق متصل، حکماً سرایت می کند.

✓ اسم مَحَلِّي بِه اِل (العالم - العلماء) مفید عموم نسیبت

۶۱) آیا قرآن را توسط خبر واحد معتبر می توان تخصیص زد؟

① سیره اصحاب پیامبر (ص) و ائمه

بله ، خبر واحد خاص می تواند عام قرآن را تخصیص بزند . دلیل ،

② خبر واحدی که مخالف عام قرآن باشد از اعتبار ساقط است

③ در سیره معصومین و اصحاب برود و نهیم از ایشان نیامده

۶۲) قطع همیشه ذاتی است ؟ چرا ؟

لذا بدیهی است (بجمله نقل)

حجت بر این قطع ضروری و لازم است و قابل انفعال از قطع نسیبت در این باب است دلیل غیر فواید (اصور قطعی به خبر خاص یا زارد)

۶۳) دلایل بر حجت خبر واحد بنویسید ؟ ع ۲۳

کتاب (۵ آیه) - سنت (چهارده از روایات) - اجماع (سه صورت) - عقل (سه دلیل)

ترجمه اشعار و دیوان - ۱۱۹

۶۴) حجت ظن مطلق علی الحکومه یعنی چه ؟ ع ۲۵

بر اساس مقدمات استدلالاتی می شود که هر ظنی و از هر راهی که بر حکمی از احکام شرعی و یا موضوع آن حاصل شود حجت است .

۶۵) قائلین به جواز اجماع امر دینی استدلال به وجود عبارات مکرر چه نمودند ؟ پاسخ آخوند را بنویسید ؟

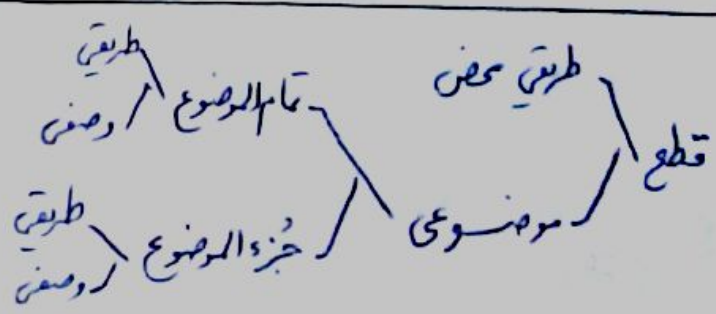
مصنف معتقد به استماع اجماع امر دینی است - و قائل است برضی در عبارات مکررهم توهم تضاد و اجماع امر دینی

عبارات مکررهم استماع دارد که مصنف به تمام آنها پاسخ داده از جمله مثلا ، عبارتی که سخن مولی متوجه خود عنوان عبارت شده و تبدیلی ندارد مانند روزه روز عاشورا ، آن قسم سه راه برای توضیح دارد ، که یکی آنها طریق ارساء است یعنی لغوی از روزه عاشورا ارساء است و نه مولوی قائل است بر کراهت کند .

۶۶) آیا عمل به عام قبل از فهم از فهم جایز است یا نه ؟

اگر عام مورد نظر در بعضی تخصیص باشد تمسک به عام قبل از فهم جایز نیست در غیر این صورت تمسک به عام جایز است .

۶۷) استماع قطع را ذکر کنید ؟



۶۸) گفته اند، تقدیر غیر علم مستلزم محال است (مانند اجتماع متکلیف باطلب صحت) باجم اخوند چیست؟
 تقدیر آثار به معنای جعل صحت برای آثار است، جعل صحت از احکام وضعی است - آثار راهی است برای رسیدن به حکم واقعی که ممکن است به آن برسیم یا نرسیم، پس فقط یک حکم واقعی داریم و از جعل صحت، حکم تکلیفی (دومی متولد نمی شود که نتیجه اش اجتماع متکلیف یا صحت باشد.
 ✓ این سوالها به همراه سوال ۸۸ باشد.

۶۹) اگر سنا، شک در ظهور، قرینت موجود باشد آیا آن ظهور صحت است یا خیر؟ نظر اخوند در این رابطه چیست؟
 چون کلام متکلم در بردارنده [ما یصلح للقرینت] است، مفید ظن نوعی که ملاک اخذ به ظواهر است، خواهد بود و لذا کلام در اجمال پیدا کرده و مانده ظهور خواهد بود. [مثلاً استثنای بعد از حدیثی است که احتمال مرجع به جهلان قبل را دارد]

۷۰) مفهوم اخوند در مقام جمع بین حکم ظاهری و واقعی، نظرشان چیست؟
 حای که حکم ظاهری وارد می شود حکم واقعی هم موجود است، حکم ظاهری دارای تعلیق تجویزی است، یعنی چون متکلف به آن علم پیدا کرده در صورت لزوم الإحراء است. ولی حکم واقعی موجود در آن فعلی تعلیقی است و لذا لازم الإحراء نیست، از سیرد اجتماع این دو مرتبه اشکالی ندارد.

۷۱) از ادله مائتین به عدم صحت ظواهر کتاب استدلال به اخبار ناهم از تفسیر قرآن به رأی است، باجم اخوند را توضیح دهید؟
 جواب اخوند، ۱- حمل کلام قرآن بر ظواهر آن، تفسیر محسوب نمی شود، ۲- بر فرض هم که اگر حمل قرآن بر ظواهر آن، تفسیر محسوب شود، منظور تفسیر به رأی در اینجا تفسیر ذریه و ملایقه شخصی است (مثل بیاس و استعجاب)
 ۳- منظور اخبار تفسیر به رأی، حمل بدون قرینه ظاهری و یا مجمل بر کلیه احتمالات موجود در آن است نه حمل ظاهر بر ظاهر یا عقلاً

۷۲) آیا جمله وصفیه مفهوم دارد یا خیر؟
 وصف مطلقاً مفهوم ندارد، دلیل ① دلیل بر این مائتین به مفهوم داشتن درست نیست (یعنی وضع، صادر یا تصریح اهل لغت بر این مطلب ندارند) ② تمام نبودن ادله مثبتین مفهوم وصف.

۷۳) در اجتماع امر و حکم آیا مقید مندوبه معتبر است؟ خیر.
 وجود مندوبه در مقام اطاعت و انجام نماز و تکلیف معتبر است نه در محل بحث ما (در اجتماع امر و حکم) - دلیل حکم عمل

نظر اخوند در باب حکم فروع از دار مفهوم در صورتی که به سود اختیار وارد شده، چیست؟
 اولاً، فروع، حرمت و حکم تعلقی ندارد اما ملاکوهی سابق (لا تقصیب) هنوز هم وجود دارد و لذا تاهی منجاطر غصبی که در قالب فروع وجود دارد مستحق عقاب است.

۷۵) دلالت نکره در سابق یعنی بر عموم «عقلی» است چگونه عقل بر این مطلب دلالت دارد؟ **ص ۲۷۹**

عقلی است نه لفظی - زیرا لفظی در معنی طبیعی که قید ندارد و مطلق است؛ به لفظی جمیع افراد آن است.

توجه: هر دو سوال

۷۶) گفتند، قلنی السنه (خبر واحد) نمی تواند با قطعی السنه (قرآن) معارضه کند؟ یا صحیح اخذند؟ **ص ۲۰۴**

- ۱- خبر واحد با سنه آیه تعارض ندارد بلکه با دلالت اصالة العموم و اصالة الظهور آن تعارض دارد.
- ۲- اگر این طور باشد پس خبر واحد یعنی سنه خبر متواتر عام را تخصیص ببرد و حال آنکه این تخصیص از مسلمان است.

۷۷) آیا ادله اعتبار امارات می تواند امارات را جاگدین قطع موضوعی طریقی قرار بدهند؟ چرا؟ **ص ۲۰۲**

امارات به حاشی قطع موضوعی طریقی واقع نمی شوند (چون به نحو تمام الموضوع چه خبر الموضوع) - زیرا ظاهر این است که از نظر ساری، صفت قطع در حکم بوده و گرنه آن را به شکل طریقی لحاظ می کرد.

۱۷ سوال عمده با سوال ۶۶ و ۶۷ می باشد

۷۸) شرط در آیه نبأ چگونه باید تفسیر کرد تا اشکال سالیه منقیه با انتفاء موضوع بر آن وارد نشود؟ **ص ۲۰۲**

استبانه مستشکل در این است که موضوع را «نبأ الفاسق» و شرط را «و این جائنکم فاسق» را برابر بیان تحقق موضوع قرار داده است، در حالی که بر اساس تفسیر منقیه؛ شرط در آیه شریفین بر سقم منظور است و طبیعت نبأ و خبر، موضوع است.

۷۹) اگر در دلالت خبر بر فساد شک کردیم، اصل چیست؟ و در مسئله فقهی چه باید کرد؟ **ص ۲۲۷**

معاملات، اگر عموم (ادعوا بالعقود) و با اطلاق (احل الله البيع) در مسأله وجود داشته به همان شک می کنیم و گرنه اصالة الفساد [به معنای استصحاب عدم ترتب اثر] جاری می شود.

عبارات، عموماً و اطلاقات وجود ندارد و لذا اصالة نسا [اصالة الاستقلال] جاری می شود.

شک در صحت رساندن عمل (در مسأله فقهی)

۸۰) اگر مطلق بر مقید مشتبّه باشد، جمع بین آن دو، به حمل مطلق بر مقید است یا حمل مقید بر استصحاب؟ **ص ۲۲۳**

* همین استصحاب یعنی فروع یقینی می خواهد

مطلق بر مقید حمل می شود (اعتنق رقیبه - اعتنق رقیبه مؤمنه)

دلیل، الجمع معاً امکان اولی من الظرح - ما با مقید مطلق - هر دو دلیل عمل کرده ام

آیه تفسیر چیست، ولی از راههای استدلال آن را بسویید؟ **ص ۱۱۷**

«... فلو لا نفر من کل فرقة منهم طائفة لیفتقروا من الدین...» **توبه ۱۱۷** - استدلال، با توجه به کلامه «لولا» نفرد کلمه کردن

صحت تفسیر در دین واجب است - زیرا لولا بافضل ماضی - کاررفته که مقید مذمت بر ترک آن است بنابراین نفرد واجب است

۸۲) اقسام عبارات مکروهه را ذکر کنید؟ ج ۲۲۱

- ۱- عبارتی که نفس مولى متوجه خود عنوان عبارت شده، مانند زنه روز عاشورا.
- ۲- عبارتی که نفس مولى به نفس عبارت تعلق گرفته ولی در این بدل متوجه است، مانند، نماز در نماز که می توانی از آن آزاد خانم ^{خواند} م.
- ۳- ظاهر آن متوجه خود عبارت شده، اما در واقع نفس متوجه عنوان است که اتحاد وجودی با ملازمه با عبارات دارد، مانند، نماز در مواضع محبت و صلوات هنگام امر به ازاله نجاست.

۸۳) فرق بین اجمال گویی و اجمال گویی چیست؟ ج ۲۲۲

در اجمال گویی، متکلم از کیفیت عملی که بیان می کند اطلاع دارد ولی به خاطر مصالحی به کلیات می پردازد - اما در اجمال گویی، متکلم با نزخوه عمل بی اطلاع است، یا به دلیل نبودن نایده در محبت آن، فقط به کلی گویی اکتفا می کند.

→ موضوعی که اسم جنس چیست؟ ماهیت را به شرط مقسمه.

۸۴) آیا می توان قطع به حکم را در موضوع همان حکم اخذ نمود یا خیر؟ با دلیل؟ ج ۲۲۳

مسئله: «اذا قطعت بوجوب الفهم فحی لک واجبه»
 خیر، محال است به دلیل در ^{در} زیرا قطع به یک امر «وجوب نماز» است متوقف است بر وجود آن امر «وجوب نماز»

۸۵) بعضی گفته اند که قول به حواجز اجتماع امر و خیر مستثنی بر قول به طبایع است و قول به اساع اجتماع معنی بر تعلق او امر و نواهی به افراد است
 جواب - آخوند چیست؟ ج ۲۲۴

اگر تعدد عنوان وجهت، موجب تعدد امر و خیر می شود ایرادش پیش نمی آید اما اگر تعدد عنوان وجهت مفید نباشد در اضرت حتی با بر قول به تعلق آن در به طبایع هم، مشکل اجتماع ضدین پیش می آید، زیرا در عالم خارج در یک فرد جمع شده اند و یک فرد دو حکم متضاد گرفته است.

نتیجه: مسأله اجتماع امر و خیر، ارتباطی به احکام طبایع و یا افراد ندارد.

۸۶) یکی از ادله منکرین مفهوم شرط را ذکر کرده و پاسخ آخوند را بنویسید؟ ج ۲۲۵

ادله منکرین، اگر تقصیر شرطی بخواهد مفهوم داشته باشد باید از طریق یکی از دلالتها به گانه (مطابق، تقصیری، التزامی) و همچنین از این دلالتها در تقصیر شرطی نیست.

مستفاد، در تقصیر شرطی دلالت التزامی بر مفهوم وجود دارد زیرا تقصیر شرطی بر این اساس اناده علیت معفو وضع شده است.

۸۷) مقدمات حکمت را بنویسید؟ **ج ۱ ص ۲۱۹**

- ۱- تکلم در مقام بیان تمام مقصود و غرض باشد (نه اجمال گویند نه اجمال گویند)
- ۲- تکلم قریب است به برخلاف اطلاق ذکر کرده باشد
- ۳- در مقام مخاطب ، قدر مستقیم وجود نداشته باشد

۸۸) کسانی که تقدیم غیر علم را محال دانسته اند چه وجهی متسک کرده اند؟ **ج ۲ ص ۲۲۲**
اگر خطا برود به اجتماع صدق
اگر مطابقت کند به اجتماع ملین

اگر شارع ظنی را (مثلاً خبر واحد) حجت نماید چنانچه خبر واحد به خطا رود اجتماع صدق لازم می آید و اگر مطابق واقع باشد اجتماع ملین خواهد بود این حالت در نفس مولی ، تصویب لازم می آید و تصویب با اجماع باطل است.

~~۸۹~~ نظر شیخ انصاری (ره) در مورد حرکات خروجی از اعضاء چیست؟ **ج ۱ ص ۲۲۴**

خروج واجب و مأثور است - و معصیت نه باشد.

۹۰) در اجتماع امر و حکم یک دلیل بر تقدم جانب حرمت را نوشته و جواب آفونده چیست؟ **ج ۲ ص ۲۲۶**

دلالتان ، دفع مستنده اولی من جلب المنفعة.

- ۱- این تانوی در جای است که یک واجب مستلزم دیگر حرام مستلزم داشته باشیم ، در حالی که در محل محبت ما الی غیرین نسبت.
- ۲- قاعده در صورتی مفید است که مانع از اولویت (دفع مستنده اولی) داشته باشیم در حال آنکه جنب نفس است.
- ۳- جریان این قاعده در وجوب تعیین و حرمت تعیین است.

« همراه سؤال و جواب - ص ۱۱۰ »

۹۱) دو دلیل از ادله قائلین ب مفهوم وصف را بنویسید؟ **ج ۱ ص ۲۲۲**

- ۱- اصل اولی در صفات و سیر ؛ احترامی بودن آنهاست و همین به معنای مفهوم داشتن آنهاست .
- ۲- اگر مفهوم نداشته باشد ، عمل مطلق بر معنی ممکن نخواهد بود .

۹۲) بن فحس در باب عام و خاص ؛ و فحس در باب اصول عملیه چه تفاوتی وجود دارد؟ **ج ۱ ص ۲۹۴**
در عام و خاصه فحس از جهت (خاص)

در فحس در عام و خاص اگر خاصی پیدا شد ، دو جهت مزاحم می شود که باید رفع تراجم کرد . (لذا فحس از جهت است)

اما در اصول عملیه فحس از دلیل است پس اگر در اثر فحس ، به دلیل احتیاج در برضد شد اصل علمی از اعتبار می افتد .

۹۳) آیا عام منقصر نسبت به افراد باقی مانده حجت است ؟ بله ، حجت دارد مگر در محقق متعل نسبت به فردی که نمی دانیم
جزو افراد خاص است یا جزو افراد عام . [مانند مرکب صغیره در « انکم العلماء الا الفساق »]

۹۶) استقام امارات چیست؟ شرعی تاسیسی، شرعی امضایی، عقلیه.

۹۴) لازم اصول علمیه کدامند؟ حاشین قطع طریقی می شود (نظر آخوند)؟ استصحاب، احتیاط.

۹۵) اصل اولی در قیاس ظن به نظر آخوند چیست؟ عدم محبت (آخوند)، و بیخ اخبار، حرمت مرادند عمل ظن را

۹۶) ظن خاص چیست؟ امارات و ظنونی که بر محبتشان دلیل خاص و قطعی معین داریم، مثل خبر واحد یا ظاهر کتاب

۹۵) نهی مولوی تحریمی در عبارات و معاملات معتقد چیست؟
مگر الفاظ معاملات براساس شرع

۹۶) نظر آخوند، نهی مولوی تحریمی در [عبارات با همی عبادت] معتقدی ساد است و در معاملات انحصار ساد ندارد.

۹۴) به نظر آخوند، علم اجمالی از چه جهت همانند علم تفصیلی است؟ همان طور که عمل به علم تفصیلی، مکلف را کافه است عمل به علم اجمالی او که تقاضای تحصیل علم تفصیلی دارد اطراف آن واجب توصلی باشد قطعاً امثال اجمالی مجزی است.

۹۷) اشکال مرسوم آخوند بر استدلال به آیه سؤال (فأستلوا أهل الذکر ان کنتم لا تعلمون) بر این محبت خبر واحد چیست؟

مستظهر آیه شریفه این است که از اهل ذکر پرسید تا آنگاه سؤید و علم پیدا کنند و به دنبال آن، علم خود عمل کنید، در این صورت آیه شریفه متعرض محبت خبر واحد نیست. (به عبارتی ظاهر آیه، مقدمه تحصیل علم است و خودش موهبت ندارد)

۹۸) آیا تقدیر عنوان، موجب تقدیر معنوی می شود؟ خیر، مطلقاً.

اگر معنوی یا واقفیتی بلی باشد (مانند زید) در این صورت تقدیر عبادتی مانند عالم، ماشی، منافک و غیره، موجب حیدر ناسدن او نمی شوند. شاهد آن هم عبادین و صفات متعدد خداوند است که هرگز موجب حیدر نبودن نمی شود.

۹۹) محل تراخ در مفهوم وصف چیست؟ وصف، اخص از موصوف باشد. مثل: اکرم رجلاً عالمیاً

۱۰۰) خطر عاصی و اقم در باره محبت خبر واحد چیست؟

۱- آن روایتی در یکی از کتب اربعه وجود داشته باشد. ۲- عده ای از فقهاء آن عمل کرده باشند. ۳- کسی از فقهاء ردّ روشنی بر آن نکرده باشد.

۱۰۱) به نظر مرسوم آخوند، شرط مفهوم دارد؟ بله مفهوم دارد، به حسب وضع ادوات شرط و قرینه عامه.

۱۰۲) علت منحصره بودن شرط برای خیرا یعنی چه؟ یعنی شرط، تنها علت و مؤثر در خیرا باشد.

۱۰۱) آیا جمله «استثنای» مفهوم دارد؟ مفهوم دارد؛ به دلیل تبادر و استباق عرفی که برای اشاره اخبار و مفهوم شاهد همان است که استثنای از نفی، اثبات است و استثنای از اثبات نفی خواهد بود.

۱۰۲) چرا «ان النهی عن الشيء هل يقتضي الفساد أم لا» را یک مسأله «لفظیه» شمرده اند؟

بله، این مسأله؛ مسأله ای لفظی است و نه عقلی، زیرا اگر مباحث فقط در تقی و اثبات ملازمه بین لفظی و بطلان بود، مسأله عقلی می بود؛ برخی اصولیین معتقدند صغیه لفظی در معاملات دلالت بر فساد معاصم دارد، در عبارات هم بحث ملازمه به دلالت التزامی صغیه لفظی بر می گردد، و دلالت التزامی یک دلالت لفظی است.

ح ۱۰۲

۱۰۳) به نظر مرحوم آخوند، آیا تخصیص زدن عام به مفهوم مخالف جایز است؟ چرا؟

در تخصیص عام به مفهوم موافق، بی شک بدون اختلاف تخصیص می خورد، از باب القیود، بعد مکتوبه، از باب القیود الدریسه.

الف - عام و قضیه دارای مفهوم، در یک کلامند و مرتبط با هم، یا دلالت عام و مفهوم بالرفع است = مفهوم ندارد و اظهر مقدم است.
 ب - بعد و مقدمات حکمت بر می خورد، عدم و مفهوم ندارد.
 مراد از مفهوم مخالف، نظر مصنف،
 ب - الف - اگر در کلام بی ارتباط با هم باشند. مراد اظهر بود، همان اخذ می شود.
 اگر در ظهور مساوی بود، اذنا تعارضاً تساوی قطعاً و کلام محل شده و اصل عملی جاری می شود.

۱۰۴) یکی از وجوه عقلیه ای که برای محبت خبر واحد اتمام شده چیست؟

« صاحب و افندی گوید... سه مقدمه دارد، ۱- قطعاً ما تا نیابت مکتب تکالیف هستیم. ۲- هر یک از این تکالیف و احکام دارای اجزاء و شرایطی اند که در قرآن نیامده. ۳- اکثر این اخبار از راه های غیر قطعی به ما رسیده اند که قبول نکردن محبت خبر واحد عقلاً مستلزم خارج شدن صلح از صفات و جزئیات شرعی هر سوره.

ح ۱۰۴

۱۰۵) مرحوم آخوند، قائل است که «تجربیس، علت باهمه شیخ و استحقاق عتاب است» دلایلیان چیست؟

۱- شهادت وجدان و عقل نظری ۲- معارضه برخی آیات، مثل بقره/ ۲۲۵ ۳- معارضه برخی اخبار ۴- اجماع و عقل

۱۰۶) فرق قطع طریقی و موضوعی چیست؟

① قطع طریقی در حد وسط به کار نمی رود، اما قطع موضوعی در حد وسط به کار می رود اگر چه اطلاق محبت بر آن نمی شود.
 ② قطع طریقی از معارضه برای مرکبی، در زمانی حاصل می شود حجت است و تقیید آن به قید بخصوصی مستلزم تأیید است به حلال قطع موضوعی که نحوه اخذ و اطلاق و تقیید آن درست مولی است و محدودی لازم نمی آید.
 ③ امارات و استصحاب حاسس قطع طریقی می شوند ولی حاسس قطع موضوعی نمی شوند.

ح ۱۰۶

۱۰۷) یکی از دلائل قائلین به اجتماع امر و نهی را نوشته و جواب مصنف چیست؟
 می گویند، بهترین دلیل بر امکان یک شیء، وقوع آن در خارج است. و اجتماع امر و نهی در خارج محقق شده، همچون روزه در عاشورا که هم مستحب است و هم مکروه.

جواب مصنف، محل تراخ در جایی است که دو عنوان مستقل از هم (صلوة و عقیقه) باشند و حال آنکه در مثال شما یک عنوان (صلوة) است. عادات مکروهه بر سه قسم است که در آن ها اجتماع صورت ندارد: (نهی از روزه در روز عاشورا ارسا کیست، نه صولوی). و ضمناً وقتی نرهان بر امتناع چیزی بود، باید موارد خلاف آن را (یعنی اجتماع را) توجیه کرد.

۱۰۸) تکرار مسأله خروج از دار عصبی چیست؟
 ج ۱ ص ۲۲۷

اجتماع امر و نهی، نماز در دار عصبی صحیح است، چه در حال اضطرار بوده چه اختیار. بنا بر قول به اجتماع امر و نهی، در اضطرار ناشی از سوء اختیار و ضیق وقت نماز، نماز صحیح است. لکن بر مبنای تقدم جانب امر در مسأله اجتماع، در ضیق وقت، نماز صحیح است. لکن در سعه وقت، نماز باطل است.

۱۰۹) آثار حجت چیست؟
 ج ۲ ص ۷۶

- ۱- تنجیز: در صورت اصابت با واقع.
- ۲- تغذیر: در صورت خطا.
- ۳- عقوبت: در صورت تحسری. (نقد شراب دارد، آب برده در واقع)
- ۴- ثواب: در صورت انقیاد (انقیاد مخالف تحسری است، یعنی نقد آب داشته، در واقع سلب بوده)

۱۱۰) ادله قائلین به ترجیح جانب نهی، در مسأله اجتماع امر و نهی چیست؟
 ج ۱ ص ۲۲۹

- ۱- دفع منسده اول بن جلب المنفعه
- ۲- دلالت نهی قوی تر از دلالت امر است.
- ۳- استقراء در مسائل فقهی

«حجت یعنی «تعامت و خالی بودن از نقص و عیب».

۱۱۱) نایده رجوع به قول لغوی چیست؟

- ۱- گاهی از مراد به قول لغوی، قطع حاصل میشد؛ قطع هم ذاتاً حجت است.
- ۲- گاهی هم با مراد به قول لغوی؛ قطع به ظهور لفظ در معنای بیدار می شود.

نظر مصنف، قول لغوی حجت ندارد. اما در عین حال رجوع به آن بی نایده نیست.

۱۱۲) راههای علم به معانی الفاظ کدام است؟
 ۱- تفسیر و افعال لغت
 ۲- خبر صوابتر از افعال لغت
 ۳- استقراء و تطبیق

۴- تبادر (به معنی ایهامات عدم قرینگی)

محقق، اجماعی که شخص مستقیماً با مراجعه به منابع فقهی در اعصار مختلف به دست می‌آورد (اتفاق نظر فقها را بدست می‌آورد) که منقول، اجماعی که دیگران آن را تحصیل کرده و سپس آن را بر این سایر علما نقل کرده اند. کجایت دارد.

استان منقول
 به خبر واحد، اجماع تعدادی از فقها که کمتر از حد تواتر هستند.
 به خبر متواتر، اجماع تعدادی از فقها که به حد تواتر هستند. (کاسف از قول معصوم باسند حجت دارد)

۱۱۴) اجماع در چه صورتی حجت دارد؟ کاسف از قول معصوم باسند، که این کاسف از این چند طریق است:

- ۱- اجماع دخولی یا تقنینی
- ۲- اجماع لفظی
- ۳- اجماع حدی
- ۴- اجماع تشریحی

۱۱۵) در صورتی که بین ۲ اجماع تعارض بی‌باید، حکم چیست؟

اگر راه برای رجحان یکی بردگیری پیدا نکردیم، هر دو اجماع از اعتبار ساقط می‌باشند.

۱۱۶) تنازل در مستببات چگونه صورت می‌گیرد و کلمش چیست؟

در جای تنازل می‌شود که حداقل ۲ قضیه شرطیه وجود دارد که شرط در آن دو مقدر جزاء واحد است. مثل:

«إِذَا تَلَبَّ فِتْوَانًا» و «إِذَا نَفَتْ فِتْوَانًا» ← مشهور در مستببات عدم تنازل رعایت می‌شود لذا باید دو شرط گرفت.

✓ به نظر مصنف آیا اذات شرط برای افاده مفهوم وضع شده؟ خیر. شرط به صورت کلی مفهوم ندارد با ۳ شرط مفهوم دارد:

- ۱- علامت بین شرط جزاء - توقف شرط جزاء - توقف علی معلولی - شرط علت منحصره در جزاء باشد.

۱۱۷) در فرض تنگ در تنازل و عدم تنازل مستببات، حکم چیست؟

تنازل، به خاطر اصل برائت.

✓ حجت «مناهییم» یک حجت «صفروری» است، نه کتبری.

۱۱۸) دلایل قائلین به عدم حجت خبر واحد چیست؟

① عمومات آیاتی همچون «لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً حَتَّىٰ يُؤْتُوا مِنْكُمْ جِزَاءً» و «إِن تَسْتَعِينُوا إِلَّا الظَّنَّ...»

② روایاتی که دال بر اعتباری خبر واحد می‌کند که مفسر از قرآن تراکیب است، سایرین خبر واحدی است، تنهایی حجت نیست.

③ سید مرتضی در فیهما کتاب خود ادعای اجماع بر عدم حجت خبر واحد ذکر کرده.

۱۱۹) دلائل حجیت خبر واحد را نوشته و مسأله بنویسید ؟

- ۱- آیه نسا «ان جاکنم ناسی سباً فقتلوا...» ← نظر آخوند، آیه نیاء دلالت بر حجیت خبر واحد می کند.
- ۲- آیه تفر «فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفة...» ← نظر آخوند، وجوه استدلال را رد می کند.
- ۳- آیه کمان «ان الذین یکتبون ما نزلنا من السمان...» ← آخوند، قبول ندارد.
- ۴- آیه سوال «ما سألوا اهل الذکر ان ینزلوا لاهلین...» ← آخوند، قبول ندارد.
- ۵- آیه اذن «وسوف الذین یؤذون النبی ویقولون هو اذن...» ← قبول ندارد.

قرآن (کتاب)
"بیخ مورد"

- ۱- اخباری که در مورد نبی دستور بر صومع، فرد معنی داده، مثل زبانه، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب...
- ۲- اخباری که دستور بر صومع، روایان اخبار در عالمان دینی می دهد.
- ۳- اخباری که به طور کلی دستور بر صومع به نجات در موردین را می دهند.
- ۴- اخبار علاجیه (که دستور علاجی تعارض موجود میان اخبار را می دهند).

نسخ
"چهار دسته از احادیث"

- ۱- نوعاً فقهای قبل از شیخ طبرسی، فتوا به حجیت خبر واحد دادند. ← قبول ندارد مصنف، دلیل تعارض.
- ۲- اجماع عملی فقها، بلکه تمام مسلمین در طول تاریخ ← مصنف قبول ندارد زیرا تحصیل قطعی از قول معصوم نیست.
- ۳- سیره عقلا در هزاره بر عمل خبر واحد بوده.

اجماع

- ۱- وجود علم اجالی، (علم اجالی کبیر، صغیر، علم اجالی ماب و وجود التدریج احکام الهی در مباحات)
- ۲- نظر صاحب واقفیه (رجوع کنید به سوال ۱۰۴)
- ۳- نظر صاحب هدایه المسترشدین، مفهوم شیخ محمد تقی اصغری:

عقل
سه دلیل

نظر صاحب هدایه المسترشدین، ما تکلیف مستلزم داریم تا مابیت به نام تمسک به کتاب و سنت که باید امتثال شود. حال اگر بتوانیم از طرق قطعی آن برسیم انجام بردهیم وگرنه چاره ای جز رجوع به آن، به طوری که ظن به خروج از مسوولیت بدانیم.

۱۲۰) فرق بین محقق لفظی و لقی چیست ؟

- ۱- در محقق لفظی در تحت از مولی صادر شده، اما در لقی یک مورد. ۲- حکم فرد مشکوک در محقق لفظی «حکم ظاهری» و در محقق لقی «حکم واقعی» است. ۳- وظیفه مربوط به فرد مشکوک [زید] در محقق لفظی «دلیل قاطعی» و در لقی «دلیل احتمالی» است. ۴- در سبغ مصداق در محقق لفظی نمی توان به عموم عام تمسک کرد بر خلاف محقق لقی.

۱۲۱) مبتنی بر محمل بودن یک لفظ از امور و حدای هستند و نیازمند دلیل نیست.

۱۲۲) مناط حجیت اجماع محصل و چگونه کشف از رأی معصوم چگونه است؟

۱- مناط آن در میان فقهای اهل سنت عبارتست از نفس اجماع امت بر حکم از احکام شریعت، چرا که بر اساس سنتی که به شخص رسول خدا (ص) می دهند مجرد اجماع امت دارای اهمیت است و هرگز به خطا نمی رود.

۲- مناط آن در میان فقهای امامیه عبارتست از کشف رأی معصوم (ع)، یعنی اگر بتوان از طریق اجماع فقهای امامیه رأی معصوم را کشف کرد این اجماع اعتبار دارد.

۱۲۳) چگونه کشف رأی معصوم (ع) یا به عبارتی اقسام اجماع منقول چیست؟

۱) اجماع رضوی یا تفهیمی، اجماعی که ناقل آن ضمن تحصیل آرای تمام فقها و بدون شایسته امام، تعیین کرده که امام معصوم نیز در میان آنان بوده و یکی از مضمینین است. ۲) اجماع لفظی، بر اساس این نظریه از آنجا که از باب لطف برخداوند امام معصوم (ع)

لازم است تا جمیع اموری را که موجب تقرب عبده او نیز جمیع اموری که موجب دوری عبده از اسباب است بازگو نمایند، لذا حتی فقهای امت بدون هیچ اختلافی در حکم اجماع نمودند اجماع آنان حاکی از رأی معصوم است زیرا اگر به خطا زده بودند بر امام لازم بود تا به نحوی از اجماع آنان جلوگیری کند چون از ناحیه امام کاری صورت گرفته، کشف می کنیم که امام با آنان موافق است.

۳) اجماع حدسی، اجماعی که عادتاً اتفاق آنها بر حکم شرعی خطا ممکن نیست و در اینجا ممکن است اتفاق برخی از فقها باشد و یا اصلاً اتفاق نبوده اما مجتهد بر اساس اجتهاد خویش حکم را به دست می آورد و آنرا بنام اجماع نقل می کند.

۴) اجماع ششتری، یعنی مجتهد و ناقل اجماع، توفیق تشریح خدمت صاحب الامر (ع) را پیدا کرده و سپس حکم را که از امام (ع) نرسیده به صورت اجماع نقل کرده است.

۱۲۴) اقسام اجماع حدسی را نام ببرید؟

۱- اجماعی که مجتهد بر اساس مباری حسی بدیهی (مانند مشاهده قتل و آوای همه فقها از همه اعصار) حدس ضروری به قول معصوم ^{زند} می زند.

۲- اجماعی که مجتهد بر اساس مقدمات حسی غیر ضروری، قول امام را حدس می زند.

۳- اجماعی که مجتهد بر اساس مقدمات غیر حسی و بلکه نظری و اجتهادی خویش حدس می زند که رأی معصوم نیزها باشد (البته معصوم آنرا از این قسم را ذکر نکردند)

۱۲۵) راههای تشخیص حرکت از اقسام اجماع چیست؟

۱- تصریح مقصدین به حرکت از آنها
۲- از راه قرائن (یعنی اشیاء و احوال و اجماع دضولی و لفظی را رد می کند و در عین حال ادعای اجماع می کند ، معلوم میشود که منظورشان از اجماع ، همان اجماع حدیسی است.)

۱۲۶) اقسام شهرت چیست؟

← شهرت روای : آنکه نقل روایتی در میان محدثان ، مشهور باشد که ممکن است فقها بر اساس آن فتوا داده باشند یا نه ، چنین شهرتی فقط در مرتجات باب تعارضین مفید است.

← شهرت عملی : عمل مشهور فقها و فتوی بر اساس یک روایت اعم از آنکه آن روایت شهرت روای داشته باشد یا نه ، یا نه باشد و یا آن روایت در جوامع نسعی موجود باشد یا نباشد.

← شهرت فتوای : فتوای مشهور فقهاء به حکمی از احکام شرعی ، اعم از آنکه چنین فتوای مستند به روایتی باشد یا نباشد.

۱۲۷) استدلال به آیه فقر چگونه است؟ به سه صورت مورد استدلال قرار گرفته است :

و جب اول استدلال به جمله **لَعَلَّكُمْ تَحْذَرُونَ** - کلمه **لَعَلَّ** برای ترجیحی استایی وضع شده است و انگیزه خداوند در استعمال آن بنا بر محبت و مطلوبیت خیر است و با ثبات شدن محبت خیر و موجب شرعی و عقلی آن نیز ثابت می شود.

و جب دوم ، فقر در کوچ کردن جهت نفقه بردن واجب است زیرا کلمه **لَوْلَا** که با فعل ماضی به کار رفته مفید مذمت بر ترک آن است . بنابراین ترک فقر حرام و خود فقر واجب است .

و جب سوم ، فقر واجب است و در پی آن نفقه بردن واجب است و سپس بدینال آن ایتدار کردن واجب است و چون خیر کردن غایت ایتدار است پس خیر کردن هم واجب است ، زیرا غایت الواجب واجب است .

۱۲۸) اقوال پیرامون خروج از دار عینی چیست؟

آفتون ، خروج ، حرمت و غیره نقلی ندارد اما ملاک غیر سابق (لا تعقب) هنوز هم وجود دارد لذا شخص به خاطر عینی که در مال خروج وجود دارد مستحق عتاب است .

شیخ انصاری : خروج واجب و مأثور است و معصیت نمی باشد .

« حلافت افغانه کس آ »

تراج در مسائل حوازا اجتماع امر و نهي يا امتناع آن ، در تمام اقسام ايجاب و حکم جاریست (قته غديره ، تحسیر ، کفایه) سود
 لن در خطاب « صل » و « لا تقرب » بنا بر قول به اجتماع اجتماع ← قاعده باب تراجم جاری میشود و اقوال مالک المقدم

عمل به عاقل قبل از محض از محض ، در عموماً آنکه در معرض تقصیر هستند مثل کتاب و سنت جائز نیست

ثمره تجزی « استحقاق عقوبت بر نفس تجزی » است . (مثلاً استحقاق عقاب در تجزی « در صدر طحا می آید » است)

انارات و طرُق معتبره ، فقط جاگزین قطع طریقی محض میشوند

الرعایه | قدیم موضوع باشد X مفهوم ندارد
 | آند حکم باشد ✓ مفهوم دارد
 اجتماع امر و نهي عقلاً محال است .

امتناع قطع | طریقی محض | تمام الموضوع { طریقی
 | موضوعی | جزء الموضوع { طریقی
 | و نهي

احکام خمس فقط در مرحله فعلیت نهاد دارد (نه در مرحله انشاء)

علم اجمالی ، مطلقاً مقصود است . (امثال اجمالی در توصیلات و تقدیبات مطلقاً مسقط تکلیف است)
 حکمت فتوایه ، مطلقاً محتمل نیست .

مبین ، لفظی است که ظهور در معنای خاص خود دارد و به آن باسنین آن ، ذهن به معنای مورد نظر می رود ، اساساً
 محتمل ، لفظی که ظهور در معنای خاص خود را ندارد اگر چه به کلمه قرینه بتوان معنایش را فهمید ، نه در التعارض و التماثل

انصراف بدوی ، به مجرد سنین لفظ ، برابر ششونده حاصل است

رفع حکم ابتدائاً
 نسخ قضی
 دفع حکم ثانوی

انصراف انصراف | انصراف تیقین ، ناشی از کثرت استعماله
 | انصراف ظهوری ، ظهور لفظ در مورد انصراف یافته
 | انصراف استثنائی
 | انصراف نقلی

در صورت تعدد شرط (اذا فقه الجدران فقصر - اذا فقه الاذان فقصر) } افزون و شهور ، عدم تداخل
 اقوال } عقل ، قدر مشترک
 موضوع که علم حسی « طبیعی مابهی مقینه ذهنی » است . } عرف ، مفهوم ندارد
 الفاظ تعلق کدامند؟ اسم حسی - علم حسی - مفرد معرفه ال - نکره

خروج از دار عینی ، در صورتی که دردد بالاقتیار باشد بنا بر قول به امتناع : منتهی عنه به نھی سابق است .
 له آخوند ، اگر چه خروج ، حرمت و نھی مطلق ندارد ، اما به خاطر نھی سابق مستحق عقاب است و منتهی عنه به نھی سابق
 له شیخ انصاری ، خروج ، مأثور است و موجب نهی بائرد .

اگر ندانیم خاص بعد از حضور وقت عمل به عام رسیده یا قبل از آن « اهل العلم » مراجعه کنیم
 فرقی بین نسخ و بقاء - معنای واحدی دارند اما
 نسخ در احکام و شریعت استقال میشود
 بقاء در امور طاعت و تکلیف استقال میشود
 صد از مفهوم شرط { « انتفاء عند الانتفاء » است
 نسخ حکم معلق بر شرط

« اکریم العلماء و اضعف الشُّعراء و اعطف الفقراء اِلاَّ العساکرَ محضه »

له استثنای سنتی ، در جوش به تمام جمله ها امکان دارد اما شروع به جمله آخره از باب قدر مستقیم است ظهور

مقایید و جهات شرطیه مفهوم دارد ، به شرطی که ،
 علاقه بین شرط و جزاء
 توقف جزاء بر شرط
 توقیف علی معلول باشد
 شرط علت منحصره در جزاء باشد
 الفوائد وضع شده است
 تعریف (مفهوم)
 تزیین (محقق)

۱- سیره اعیان پیامبر (ص) و ائمه (ع)
 ۲- خبر واحدی که مخالف عام قرآن باشد از اعتبار سابق است
 ۳- در سیره اعیان و معجزات رد و نھی نیامده
 قرآن را توسط خبر واحد می توان تخصیص زد ، به دلیل

الخصائص، خالی از اجمال باشد بدون شک موجب تخصیص عام شده اما

الخصائص، اجمال داشته باشد — در میانین — در خصوص متصل حقیقاً ساریت می کند

در خصوص منقطع حکماً ساریت می کند

در اقل و اکثر حقیقاً و حکماً ساریت می کند

قطع ذاتاً حجت است به دلیل عقل

دلائل بر حجت ضمیر واحد در کتاب (۵ آیه) - این جا کلمه فاسق بنا نسبتاً - آیه بنا را چرا استدلال پذیرفته

نست (۴ دسته باری) - روع به فرد مقین ، روع به عالمان دینی ، روع به ثقات ، اخبار علاجیه

اجماع (۳ صورت) - مصنف اجماع عملی فقها و قبول ندارد

عقل (۳ دلیل) - نظر صاحب واقعه ، قطعا ما تا قیامت مکنه بکافی هستیم ، چه آیه و قرآن نبوده

آله هدایه المسترشدين

« حجت ظن مطلق علی الحکومه » یعنی هر ظنی از هر راهی که بر حکم از احکام شرعی و یا موضوعش حاصل شود حجت است!

قابلین به جواز اجماع امری ، وجود عبادا مکرهه استدلال کرده اند

که پاسخ آخوند: در عبادات مکرهه اصلاً تقاد و اجماع مطرح نیست (شما تو هم تقاد و اجماع کرده اید)

آنچه سولی از روزه بعد عاشورا بنظر ایشانست

الرفضا برود - اجماع ظن می شود

گفته اند نقد به اماره (عبر علم) مستلزم محال است به خاطر اجماع متلین یا اطلاق ظن

که پاسخ آخوند: نقد به اماره به معنای عقل حجت برای اماره هست چه به واقع برسم چه نبرسم پس فقط حکم واقعی داریم

حکم ظاهری « فقلت تجزیه دارد » اما حکم واقعی « فقلت تقاضی »

✓ برای عم حجت ظواهر کتاب ، استدلال کرده اند اخبار ناخبر از تفسیر قرآن به رأی ، آخوند در پاسخ می گوید :

۱. حمل کلام قرآن بر ظاهر آن ، تفسیر محسوب نمی شود . ۲. برزخ که تفسیر محسوب شود ، منظور از تفسیر به رأی

در اینجا ، تفسیر ذوقی و سلیقه شخصی است (مثل میانس و اسفنا) ۳. منظور اخبار تفسیر به رأی ، حمل به دل قرینه ظاهر ۸

و یا بحمل بر یکی از احتمالات موجود در آن است، نه حمل ظاهر بر ظاهر برابر ^{سوره عقلا} .

جمله وصفیه مفهوم ندارد، ب ۲ دلیل، ۱- قائلین به مفهوم داشتن دلیل ندارند ۲- تمام نبودن ادله مثبت مفهوم ^{صف}
در اجتماع امر و حکمی «فیه مندوج» معتبر نیست. (مندوج در معنی اطاعت و انجام نماز و تکلیف معتبر است) دلیل حکم عقل

✓ ظنی السنه می تواند با قطعی السنه (قرآن) معارضه کند. زیرا ۱- خبر واحد با سند آیه تقاضی ندارد بلکه با دلالت اجماله العموم
(خبر واحد) واصله الظهور آن تقاضی دارد. ۲- خبر واحد ظنی السنه، خبر متواتر عام را تخصیص میزند.

«امارات» به جا، «قطع موضوعی طریق» واقع نمی شوند (به تمام الموضوع چه جزء الموضوع) زیرا ظاهر این است که از نظر شارع
صفت قطع در حکم بوده و گرنه آن را به شکل طریق لحاظ می کرد.

اقسام امارات: شرعی تأسیسیه، شرعی اضافیه، عقلیه

۱. عبادتی که حکم مولی متوجه خود عنوان عبادت شده (روزه روز عاشورا)

۲. عبادتی که حکم مولی به نفس عبادت تعلق گرفته و له دارا بدل مندوج است (نماز در مقام که بر آنند میورد)

۳. ظاهراً حکم متوجه خود عبادت شده اما در واقع حکم متوجه عنوانی است که اتحاد وجودی با ملازم با عبادت دارد

(نماز هنگام ازاله نجاست)

✓ «اذا قطعت بوجوب الجمعه فحن لك واجبه» - قطع حکم را در موضوع حکم نمی شود اخذ کرد

به دلیل دور؛ قطع به یک امر «وجوب نماز جمعه» متوقف است بر فرد آن امر «وجوب نماز جمعه»

میگویند شرط مفهوم ندارد، زیرا اگر مفهوم داشته باشد باید از طریق بلکه از دلالتها سه گانه [مطابق، تقنی، التزام] باشد
در هیچ کدام از اینها نیست.

لـه منفی، در قضیه شرطیه، دلالت التزام بر مفهوم وجود دارد.

۱. متکلم در مقام بیان تمام مقصود و غرض باشد (نه اجمال گویند نه اجمال گویند)

مقدمه حکمت ۱- ۲- قرینهای بر خلاف اطلاق ذکر نکرده باشد ۳- در مقام مخاطب، قدر متیقن وجود نداشته باشد ۹

قائلند «وصف مفهوم دارد» به آدلیل ۱. اصل اولی در توجیه صفات «اعتزاز» بودیش است و همین معنی مفهوم دارند.

۲. اگر مفهوم نداشته باشد، حمل مطلق بر مقید ممکن نخواهد بود.

✓ حل نزاع در مفهوم وصف به وصف اخص از موضوع باشد (اگر مطلقاً عالی)

در استماع اجتماع امر و نفي میگویند «دفع معصده اولی من حلب منقعه»

که آخوند این قانون در جایی است که یک واجب مسلم و یک حرام مسلم داشته باشیم.

و حال آنکه من نیست

۱۷ قاعده در صورتی مفید است که ما قطع به این اولویت (دفع معصده اولی...) داشته باشیم.

۱۸ جریان این قاعده در وجوب تقیینی در حرمت تقیینی است.

در باب فحص از عام و خاص به دنبال خاص میگردیم؛ اگر پیدا شد دو جهت خراج می شود باید رفع نزاع کرد (فحص از جهت ۱ است)

در اصول عملیه فحص از دلیل است، اگر دلیل اجتهاد پیدا شد اهل علم از اعتبار می افتند.

عام مخصوص، نسبت به افراد با تمایز محبت دارد، مگر در خصوص متقبل نسبت به فردی که نمی دانیم جزو افراد خاص است یا ^{عام} (مانند ترکیب صغیره در اکریم القلا الالفیاق)

در اصول عملیه «استصحاب و احتیاط» ^{انکه} «اجتناب» قطع طریق می شوند.

اصل اولی در تقید به ظن — عدم حجیت [آخوند]

عمل به ظن حرام است [شیخ انصاری]

«ظن خاص» یعنی امارات و ظنونی که بر وجهتشان دلیل خاص و قطعی معنی داریم، مثل خبر واحد یا طواغیر است.

✓ براه حجیت خبر واحد استدلال کرده اند: «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون»

که اشکال آخوند، آیه میگوید آگاه شوید، علم پیدا کنید و به دنبالش عمل نمائید. آیه مقرون به حجیت خبر واحد نیست.

تعداد عنوان موجب تعداد معنوی نمی شود مطلقاً.

به نظر آخوند، شرط مفهوم دارد. به حسب دفع ادا شرط و قرینه عامه

حمله استثنائیه «مفهوم دارد» به دلیل «تبادرو استباق عرفی که برابر افاده اخبار و مفهوم است»
استثنای از نفس، اثبات است → شاهد همان

✓ بلکه از وجه عقلیه بر حجت خبر واحد، نظر صاحب و افیه است. هرگزید، ۱. ما قطعاً تا ما میماند مکلف تکالیف هستیم
۲. هر یک از این تکالیف و احکام، دارای اجزاء و شرایطی اند که در قرآن نیامده. ۳. اکثر این اخبار از راههای
غیر قطعیته به ما رسیده اند.

① قطع طریق در حد وسط به کار نمی رود به خلاف قطع موضوعی
② قطع طریق از هر راهی، برای هر کسی، در هر زمان حاصل شود حجت است اما
اطلاق و تقسید قطع موضوعی درست مولد است.
③ امارات و استصحاب داشتن قطع طریق میشوند ولی در موضوعی خبری.

ثبوت مسأله خروج از دار غصب: بنا بر قول جماع امری (مازدر دار غصبی صحیح است - چه اضطراراً بوده چه اختیاراً)
که اصحاب امری → در اضطرار (ماز صحیح است)
که در اختیار با وجود سعه وقت نماز باطل است.
(بنا بر تقدم جانب امر در مسأله اصحاب)

ادله قائلین به ترجیح جانب نخی، در مسأله اصحاب امری:

۱. دفع منفرد اولی من جلب منفعم ۲. دلالت نخی قوه تر از دلالت امر است ۳. استقراء در مسائل فقهی

گاه قطع حاصل میشه

فایده رجوع به قول لغوی: گاه قطع به ظهور لفظ در معنای پیش میاد

که مصنف: قول لغوی حجت ندارد، اما در عین حال رجوع به آن بی فایده نیست.

۱۱ تصحیح واضع لفظ ۱۲ خبر متواتر از واضع لفظ ۱۳ استقراء قطعی ۱۴ بنا بر
راهی علم به معنی الفاظ

اقسام اجماع - فصل، شخص مستعماً با مراجعه به منابع فقهی در اعصار مختلف به دست می‌آورد. (اتفاق نظر چهار است که آورده)
 منقول، دیگران آن را تحصیل کرده و پس آنرا برای سایر علماء نقل کرده‌اند
 له حجت دارد

اقسام منقول، به ضریح واحد
 به ضریح متواتر (اگر کاشف از قول معلوم باشد حجت دارد)
 اجماع در حوالی یا تضمین
 اجماع لفظی
 اجماع حدسی
 اجماع ششرفی

اگر اجماع، کاشف از قول معلوم باشد حجت دارد، و این کاشفیت از چند طریق حاصل می‌شود:
 اگر بین دو اجماع تعارض پیش آید، اگر راهی بجز رُحمان لکن بر دیگرین پیدا نکردیم، هر دو اجماع از اعتبار ساقط است.

✓ شرط به طور کلی مفهوم ندارد مگر با رعایت شرط
 علاقه بین شرط و جزاء
 توقف شرط بر جزاء
 توقف علی و معلولی
 شرط، علت منحصره در جزاء باشد

در فرض شک در تداخل و عدم تداخل مستببات، حکم تداخل است، به خاطر اهل برائت.

✓ دلائل قاطعین: عدم حجت خبر واحد:
 ① عمرات آیاتی همچون «لأنف مالنس لک به علم»
 ② روایاتی که دال بر بی اعتباری خبر واحد می‌کند که مجتهد از قرآن قرآنی است
 ③ سید مرتضی در چند جای کتاب خود ادعای اجماع بر عدم حجت آن نموده

فروق بین مخصص لفظی و لفظی
 در مخصص لفظی دو حجت از مولی صادر شده، اما در لفظی یک مورد
 حکم فرد مشکوک در مخصص لفظی «ظاهری» و در مخصص لفظی «واقعی» است
 وظیفه مربوط به فرد مشکوک (زید) در مخصص لفظی «دلیل قاطع» و در لفظی «دلیل اجتهادی» است
 در شبهه صدق در مخصص لفظی نمی‌توان به عموم عام تمسک کرد برخلاف لفظی

اقسام شحرت: روایی - عملی - فتوایی



باسمه تعالی
امتحانات تجدیدی و جرائی مدارج علمی
 سطح ۲ و ۳ سال تحصیلی ۹۱ - ۹۰
 حوزه علمیه خراسان

تاریخ امتحان: ۹۱/۷/۱۱	زمان: ۹۰ دقیقه
ساعت: ۱۷ - ۱۵/۳۰	
موضوع: کفایه ب ۲	
نتیجه	به عدد
به حروف	
رشدگی	به عدد
محدد	به حروف

سوالات چهار گزینه‌ای

(بارم ۵/۰ نمره)

۱. به نظر مرحوم آخوند(ره)، متعلق طلب در نهی کدام گزینه است؟
 الف: مجرد **محرور** ب: کف نفس ج: یک امر وجودی است د: اعم از امر وجودی و عدمی است
۲. به نظر مرحوم آخوند(ره)، آیا تعدد عنوان مستلزم تعدد معنوی است؟
 الف: بله مطلقاً ب: در غیر واجب تعالی موجب تعدد معنوی است
 ج: خیر مطلقاً د: در غیر واجب تعالی موجب تعدد معنوی نیست
۳. در رساله مفهوم وصف محل نزاع در کدام وصف است؟
 الف: وصف اخص یا اخص من وجه و ماده افتراق از طرف وصف
 ب: وصف اخص یا اخص من وجه و ماده افتراق از ناحیه موصوف فقط
 ج: وصف اخص یا اخص من وجه و ماده افتراق از طرف موصوف و وصف
 د: وصف اخص یا اخص من وجه و در فرض انتقای وصف و موصوف با هم
۴. استثنائی که به دنبال چند جمله آمده است، ظهور در رجوع به کدام جمله دارد؟
 الف: رجوع به کل دارد ب: رجوع به خصوص جمله اخیره دارد
 ج: ظهور در رجوع به هیچکدام ندارد د: رجوع به جمله اخیره یعنی است در بقیه ظهوری ندارد
۵. به نظر مرحوم آخوند(ره)، آیا اصول عملیه می‌تواند جایگزین قطع طریقی یا موضوعی شود؟
 الف: فقط استصحاب حای قطع طریقی می‌نشیند ب: فقط استصحاب حای قطع موضوعی می‌نشیند
 ج: هیچ اصل عملی جایگزین قطع طریقی نمی‌شود د: همه اصول عملیه جایگزین قطع طریقی یا موضوعی می‌شوند
۶. به نظر مرحوم آخوند(ره)، کدام گزینه از جمله محذورات تعدد به امارات در کتاب کفایه نیست؟
 الف: اجتماع منسب یا ضدین ب: طلب ضدین ج: ادخال مالس من الدین فی الدین د: تفویض مصلحت
۷. به نظر مرحوم آخوند(ره)، اظهار وجوهی که آیه تباً بر حجیت خبر واحد دلالت دارد چیست؟ آیا از نظر مرحوم آخوند این آیه دلالت بر حجیت خبر واحد دارد یا خیر؟
 الف: مفهوم شرط - دلالت ندارد ب: مفهوم شرط - دلالت دارد ج: مفهوم وصف - دلالت ندارد د: مفهوم وصف - دلالت دارد
۸. به نظر مرحوم آخوند(ره)، کدام گزینه دلیل بر حجیت خبر واحد است؟
 الف: اجماع قولی محصل ب: اجماع قولی منقول ج: اجماع عملی علماء د: سیره عقلاء

سوالات عمارتی

(بارم ۲ نمره)

۱. «ان التصرف فی ارض الغیر بدون اذن بالدخول و البقاء حرام بلا اشکال و اما التصرف بالخروج الذی یرتب علیه رفع الظلم و یتوقف علیه التخلّص عن التصرف الحرام فهو لیس بحرام فی حال من الحالات»
 الف: عبارت را توضیح دهید
 ب: مراد مرحوم آخوند(ره) از «فی حال من الحالات» چیست؟
۲. «و اما دلالة الجمع المعرف باللام علی العموم مع عدم دلالة المدخول علیه فلا دلالة فیها علی انها تكون لأجل دلالة اللام علی التعین حیث لا تعین الا للمرتبة المستفرقة لجمع الانراد و ذلك لتعین المرتبة الاخری» الف: عبارت را توضیح دهید. ب: مراد از «المرتبة الاخری» چیست؟
۳. «ان السالع الذی وضع علیه القلم اذا التفت الی حکم فعلی واقعی او ظاهری متعلق به او بتقلیدیه فاما ان يحصل له القطع له القطع به او لا و علی الثانی لابد من انتهائه الی ما استقل به العقل من اتباع الظن لو حصل له و قد تمت مقدمات الاستداد علی تقدیر الحكومة»
 الف: عبارت را توضیح دهید. ب: مراد از «علی تقدیر الحكومة» چیست؟
۴. «و مستند القطع به لحاکمیه علی ما ینظر من کلماتهم هو علم بدخوله فی المجمعین شخصاً و لم يعرفه عیناً، او قطعه باستلزام ما یحکمه لرأیه عقلاً من باب اللطف او عادة او اتفاقاً من جهة حدس رأیه (ع) و ان لم تکن بینها ملازمة عقلاً و لا عادة»
 الف: انواع اجماعات ذکر شده در عبارت را بیان کنید. ب: مراد «و ان لم تکن بینها ملازمة عقلاً و لا عادة» چیست؟ توضیح دهید.

سوالات تشریحی (فقط به چهار سؤال پاسخ دهید)

(بارم ۲ نمره)

۱. آیا قطع به حکم را می‌توان در موضوع حکم آخذ نمود؟ توضیح دهید
۲. به نظر مرحوم آخوند(ره)، آیا «جمله شرطیه» دلالت بر علت منحصره دارد یا خیر؟ چرا؟
۳. به نظر مرحوم آخوند(ره)، آیا «جمله استثنائی» دلالت بر مفهوم دارد یا خیر؟ چرا؟
۴. آیا «عام مخصص» در باقیبمانده بعد از تخصیص حجت است یا خیر؟ توضیح دهید.
۵. فرق بین فحص از مخصص در باب عمل به عام و بین فحص در باب اصول عملیه چیست؟

موفق باشید



باسمه تعالی

امتحانات عمومی پایان سال سطح ۳ و ۲

سال تحصیلی ۹۱ - ۹۰
حوزه علمیه خراسان

تاریخ امتحان: ۹۱/۰۴/۱۲	زمان: ۹۰ دقیقه
ساعت: ۸ - ۹/۳۰	
موضوع: کفایه ب ۲	
نتیجه	به عدد
به حروف	
رسیدگی	به عدد
محدد	به حروف

سؤالات چهار گزینه‌ای

(بارم ۵/۰ نمره)

۱. نظر مرحوم آخوند(ره) ، در مورد اجتماع امر و نهی چیست؟
الف: جایز است مطلقاً ب: جایز نیست مطلقاً
ج: برخی از احکام خمس متضاد باهم اند مطلقاً
د: برخی از احکام خمس در مقام فعلیت با هم متضادند
۲. به نظر مرحوم آخوند(ره) ، احکام خمس با هم چه نسبتی دارند؟
الف: برخی از احکام خمس متضاد باهم اند مطلقاً
ج: برخی از احکام خمس در مقام فعلیت با هم متضادند
د: همه با هم در مقام فعلیت متضادند
۳. آیا از نظر مرحوم آخوند(ره) ، غایت دارای مفهوم است؟
الف: مفهوم دارد مطلقاً
ج: اگر غایت قید حکم باشد مفهوم دارد
د: به نظر مرحوم آخوند(ره) ، آیا عمل به عام قبل از فحص از مخصص جایز است؟
الف: اگر در معرض تخصیص باشد جایز نیست
ج: جایز نیست مطلقاً
۵. به نظر مرحوم آخوند(ره) ، کدام مورد جزء مقدمات حکمت نیست؟
الف: کون المتکلم فی مقام بیان تمام المراد
ج: انتفاء القدر المتیقن فی الخارج
د: استدلال به کلمه لعل
۶. به نظر مرحوم آخوند(ره) ، کدام یک از وجوه زیر می تواند استدلال درستی بر حجیت خبر واحد از طریق آیه نفر باشد؟
الف: استدلال به کلمه لعل
ج: استدلال به غایت بودن تحذیر برای انذار
د: هیچکدام
۷. نظر مرحوم آخوند(ره) ، نسبت به قاعده دفع ضرر مظنون «ان فی مخالفة المجتهد لما ظنّه من الحكم الوجوبی او التحریمی مظنة للضرر و دفع الضرر المظنون لازم» چیست؟
الف: اشکال کروی دارد ب: اشکال صفروی دارد
ج: اشکال در کبری و صغری د: اشکالی ندارد
۸. استثنائی که به دنبال چند جمله آمده است ، ظهور در رجوع به کدام یک دارد؟
الف: رجوع به کل
ج: رجوع به هیچکدام
د: رجوع به جمله اخیره از باب قدر متیقن است و در بقیه ظهوری ندارد

سؤالات عبارتی

۱. «انما کان المنوع کالمتنع اذا لم يحکم العقل بلزومه ارشاداً الی ما هو اقل المحذورین فانه مع لزوم الاتیان بالمقدمة عقلاً لا بأس فی بقاء ذی المقدمة علی وجوبه فانه حينئذ لیس من التکلیف بالمتنع كما اذا كانت المقدمة ممتنعة»
الف: عبارت را توضیح دهید.
ب: برای «مقدمه ممتنعه» مثال بزنید.
۲. «الفرق بین المتصل و المنفصل و ان کان بعدم انعقاد الظهور فی الاول الا فی الخصوص و فی الثاني الا فی العموم الا انه لا وجه لتوقم استعماله مجازاً فی واحد منهما اصلاً و انما اللازم الالتزام بحجیته الظهور فی الخصوص فی الاول و عدم حجیته ظهوره فی خصوص ما کان الخاص حجة فیه فی الثاني»
الف: عبارت را توضیح دهید.
ب: مراد از «خصوص ما کان الخاص حجة فیه» چیست؟
۳. «و کون موارد الحاجة الی قول اللغوی اکثر من ان یحصی لانسداد باب العلم بتفاصيل المعانی غالباً بحيث یعلم بدخول الفرد المشکوک ار خروجه و ان کان المعنی معلوماً فی الجملة لا یوجب اعتبار قوله مادام انفتاح باب العلم بالاحکام و مع الانسداد کان قوله معتبراً من باب حجة الظن و ان فرض انفتاح باب العلم باللغات»
الف: عبارت را توضیح دهید.
۴. «لا یسکن أن یؤخذ القطع بحکم فی موضوع نفس هذا الحكم للزوم الدور و لا مثله للزوم اجتماع المثلین و لا ضده للزوم اجتماع الضدین»
الف: چرا نمی شود قطع به حکمی در موضوع خود همان حکم أخذ شود؟
ب: کیفیت دور یا استحاله اجتماع مثلین را توضیح دهید.

سؤالات تشریحی (فقط به چهار سؤال پاسخ دهید)

(بارم ۲ نمره)

۱. چرا مسأله «ان النهی عن الشئ هل یقتضی فساده ام لا» را یک مسأله لفظیه شمرده اند؟
۲. به نظر مرحوم آخوند(ره) ، آیا تخصیص زدن عام با مفهوم مخالف جایز است؟ چرا؟
۳. یکی از وجوه عقلیه ای که برای حجیت خبر واحد اقامه شده است را بیان کنید.
۴. آیا تخصیص عام کتابی به خبر واحد جایز است؟ چرا؟

سؤال ۱: حرره در مورد

موفق باشید



باسمه تعالی
امتحانات عمومی پایان سال سطح ۳ و ۲
سال تحصیلی ۹۲ - ۹۱
حوزه علمیه خراسان

تاریخ امتحان: ۹۲/۰۴/۰۸	زمان: ۹۰ دقیقه
ساعت: ۱۸ - ۱۹/۳۰	
موضوع: کفایه ۲	
نتیجه	به عدد
به حروف	
رسیدگی	به عدد
محدد	به حروف

« جوابها فقط در پاسخنامه »

(بارم ۵/۰ - نمره)

سؤالات چهار گزینه‌ای

۱. به نظر مرحوم آخوند(ره)، مدلول نهی ماده و صیغه، به ترتیب کدام است؟
الف) طلب - حرمت
ب) هر دو برگ
ج) هر دو حرمت
د) هر دو طلب
۲. به نظر مرحوم آخوند(ره)، در مورد نهی در عبادات و معاملات، کدام گزینه صحیح است؟
الف) در هر دو موجب فساد است
ب) در عبادات موجب حرمت و در معاملات موجب حرمت و فساد است
ج) در عبادات موجب فساد است و در بعضی معاملات موجب فساد نیست
د) در عبادات موجب فساد و حرمت است و در معاملات فقط موجب فساد است
۳. آیا عام مخصص نسبت به باقی افراد حجت است یا خیر؟ گزینه صحیح را مشخص کنید.
الف) مطلقاً حجت است
ب) مطلقاً حجت نیست
ج) فقط در مورد مخصص متصل حجت است
د) فقط در مورد مخصص منفصل حجت است
۴. نتیجه جریان مقدمات حکمت در مطلقات کدام گزینه است؟
الف) عموم بدلی
ب) عموم استعمالی
ج) نوع خاص از مصادیق آن مطلقاً
د) به حسب موارد مختلف، متفاوت می‌باشد
۵. «بل اضرابه» در چه مقامی دال بر حصر است؟
الف) ردع مضروب عنه ثباتاً
ب) ردع مضروب عنه اثباتاً
ج) اطلاق سبق لسان
د) تأکید
۶. کدام گزینه تعریف صحیح «مفهوم» می‌باشد؟
الف) حکم احباری با انشائی که لازمه خصوصیت معنا در منطوق باشد
ب) حکم غیر مذکور
ج) حکم لغیر مذکور
د) گزینه الف و ب
۷. به نظر مرحوم آخوند(ره)، آیا عمل به عام قبل از فحص از مخصص جایز است یا خیر؟ گزینه صحیح را مشخص کنید.
الف) جایز نیست مطلقاً
ب) جایز است مطلقاً
ج) در عموماً آنی که در محاورات عرفیه به کار برده می‌شود جایز نیست و در غیر آن جایز است
د) در عموماً کتاب و سنت جایز نیست و در غیر آن جایز است
۸. به نظر مرحوم آخوند(ره)، احکام خصه در کدام مرحله با هم تضاد دارند؟ گزینه صحیح را مشخص نمایید.
الف) اقتضاء
ب) انشاء
ج) فعلیت
د) گزینه ب و ج

سؤالات عبارتی

(بارم ۲ - نمره)

۱. «ان التصرف فی ارض الغیر بدون اذنه بالدخول و البقاء حرام بلا اشکال و اما التصرف بالخروج الذی یترتب علیه رفع الظلم و یتوقف علیه التخلص عن التصرف العوام فهو لیس بحرام فی حال من الحالات.»
الف: عبارت را توضیح دهید.
ب: مراد مرحوم ^{کسی} (ره) از «فی حال من الحالات» چیست؟
۲. «المراد من الصحة و الفساد: ان الصحة و الفساد وصفان اضافیان یختلفان بحسب الآثار و الانظار فرتما یکون شی واحد صحیحاً بحسب اثر او نظر و فاسداً بحسب آخر» عبارت را توضیح دهید.
۳. «المراد من انتفاء حکم، ان المفهوم هو انتفاء سبب حکم المعلق علی الشرط عند انتفائه لا انتفاء شخصه ضرورة انتفائه عقلاً بانتفاء موضوعه» عبارت را در قالب مثال توضیح داده و مراد از «سبب حکم» و «شخص حکم» را بنویسید.
۴. «و مستند القطع به لحاکبه - علی ما یظهر من کلماتهم - هو: علمه بدخوله فی المجمعین شخصاً، و لم یعرف عناً او قطعاً باستلزام ما یحکبه لرایه(ع) عقلاً من باب اللطف، او عادة، او اتفاقاً من جهة حدس رایه(ع) و ان لم تکن بینها ملازمة عقلاً و لا عادة»
الف: انواع احصاءات ذکر شده در عبارت را بیان کنید. ب: مراد از «و ان لم تکن بینها ملازمة عقلاً و لا عادة» چیست؟ توضیح دهید.

سؤالات تشریحی (فقط به چهار سؤال پاسخ دهید)

(بارم ۲ - نمره)

۱. آیا اجتناع امر و نهی شامل حصص اقسام ایجاب و تحریم می‌شود یا خیر؟ بیان کنید.
۲. مراد از «واحد» در عنوان نزاع اجتناع امر و نهی چیست؟ توضیح دهید.
۳. آیا «غایت»، مفهوم دارد یا خیر؟ توضیح دهید.
۴. ظواهر الفاظ حجت است یا خیر؟ نظر مرحوم آخوند(ره) را توضیح دهید.
۵. مدرک در حجت اجماع چیست؟ توضیح دهید.

موفق باشید

۱. محتوایی که ملاحظه می فرمائید حاصل تلاش شبانه روزی دو نفر از طلاب (در طی سالها گذشته) بوده که شاید به خرات بتوان گفت کاملترین نسخه سؤال و جوابهای درسی می باشد (در حال حاضر).

۲. قطعا توصیه نمی شود که فقط به این نسخه تکیه شود و توجه به متن کتاب درسی هم لازم است، هر چند نبره او آری که همراهِ به سؤالات و جوابهای این جزوه، تسلط داشته، در امتحانات نمره قبولی کسب نموده اند.

۳. این فایل را بکار برده و هرگونه کپی برداری از آن مجاز و مورد رضایت است.

۴. هرگونه استفاده مالی از این محتوی شرعا حرام می باشد (به هیچ وجه مورد رضایت نیست) مگر آنکه تمام سود حاصله صرف خرید هدایای مذهبی و دینی [یا در بکریه انقلابی] باشد و تقدیم به مخاطبین در محافل گردد.

چند توصیه و درود طلبه ای:

✓ سعی کنیم کاری که انجام می دهیم دارای فایده باشد لذا اگر مشغول به کاری هستیم که بین شرع و عقلا، خودی ندارد مثل مرد آن را رها نمایم. **موضوع ۶**

✓ سعی کنیم (سعی) آنچه می گوئیم را خود عمل نمایم. **صفحه ۲**

✓ برای تفسیر خلاصه قرآن و سیره عملی اهل بیت (علیهم السلام) در اعمال و رفتار ما **انقلاب ۱۳۶۱** بطور جدی برنامه ریزی داشته باشیم.

✓ قدردان زحمات علماء و مجاهدت های شهدای بسیاری در طول تاریخ باشیم و به جای خودخواهی، تسلی، بی بسیجی...

✓ قدردان نظام و انقلاب اسلام باشیم، از فرصت پیش آمده جهت هر چه بهتر زمینه سازی ظهور بجهت بردار نمایم.

بقره ۲۴۶-۲۴۹ توصیه جماعه، تضعیف جنایه، تکمیل رساله

که قطعا خلاها، ضعفها و نقائش وجود دارد، اگر گرای خوش و نامحسوس اهم می باشد نبوده اند.

اما تضعیف نظام و انقلاب جنایه / آنچه رسالت منور شماست تکمیل این زمینه سازی است تا او بیاید...

✓ در پیش (تمیز، مرتب و معطر) باشیم و بر نماز اول وقت اصرار داشته باشیم.

سوره ۱۳

مستحبه است که با زور و عا ان ساد